

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: شرح لمعه (از کتاب الغصب تا کتاب المیراث)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. قال المصنّف: «الغصب» هو الإستقلال بإثبات اليد على مال الغير عدواناً» و هذا التعريف بما لو اشترك اثنان في غصب مع عدم استقلال كل منهما باليد. د ۵۶۱

أ. ينتقض في طرده و عكسه ب. لا ينتقض في طرده و عكسه ج. ينتقض في طرده د. ينتقض في عكسه

۲. لو حُبِس الحرّ مدّة لها أجره بالعادة و لم يُستعمل الرقيق. ب ۵۶۷

أ. لم يضمن أجرته نظير ب. لم يضمن أجرته بخلاف ج. يضمن أجرته بخلاف د. يضمن أجرته نظير

۳. ما يوجد في جوف السمكة د ۳۸/۴

أ. للواجد و المحيز معاً ب. للمحيز و لو لم يقصد إلّا تملك السمكة

ج. للواجد مطلقاً د. للواجد إلّا أن تكون السمكة محصورة في ماءٍ تعلق

۴. المراد بـ «يُوتِكُمْ» في قوله تعالى: «أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ يُوتِكُمْ...» (نظر شارح) أ ۱۳۹/۴

أ. ما يملكه الآكل ب. بيت الأزواج ج. بيت الأولاد د. بيت الأقارب

تشریحی

* لو أرسل ماءً في ملكه أو أجاج ناراً فسرى إلى الغير فأفسد فلا ضمان على الفاعل إذا لم يزد عن قدر الحاجة و لم تكن الريح عاصفة، لأن الناس مسلطون على اموالهم و لهم الانتفاع بها كيف شاءوا.

۱. با توجه به عبارت، در چه صورتی سرایت آب و آتش به اموال دیگران ضمان آور نخواهد بود؟ چرا؟

اگر به مقدار نیاز آتش روشن کرده باشد یا آب به زمین‌اش انداخته باشد و باد هم نوزد در این صورت اگر به مال دیگران سرایت کند ضامن نخواهد بود - دلیل: بر اساس قاعده تسلط مردم بر اموال خود، می‌تواند به هر نوعی که بخواهد از اموال خود استفاده نماید.

* البعير إذا وُجد في كلاء و ماء في حالة كونه صحيحاً ترك فيضمن الآخذ و لا يرجع بالنفقة حيث لا يرجح أخذه أمّا مع وجوبه أو استحبابه فالأجود جوازه مع نيته؛ لأنه محسن، و لأنّ إذن الشارع له في الأخذ مع عدم الإذن في النفقة ضرر و حرج.

۲. با توجه به عبارت، آخذ شتر در چه صورت می‌تواند به مالک رجوع کرده مطالبه نفقات مصروفه کند. ب. در چه صورت نمی‌تواند؟ چرا؟

اگر شتر در کنار آب و علف باشد و مریض هم نباشد و گرفته شود ضامن است و حق گرفتن نفقه را هم ندارد در صورتی که گرفتنش ترجیح نداشت و در این صورت نفقه‌اش تبرعی خواهد بود اما با وجوب یا استحباب گرفتن، می‌تواند نفقه را از مالک طلب کند در صورتی که نیت اخذ جازز بوده و ضمان نخواهد داشت چرا که اولاً محسن حساب می‌شود و ثانیاً اینکه شارع اذن در گرفتن دهد اما اذن نفقه ندهد موجب عسر و حرج خواهد بود.

* لو كان للأرض التي وجد المال مدفوناً فيها مالكٌ عرفه فإن عرفه و ادعى أنه له دفعه إليه من غير بينة و لا وصف و إلا فهو للواجد مع انتفاء أثر الإسلام و إلا فلقطة.

۳. فروع فقهی عبارت را بیان کنید.

اگر لقطه در زمینی مدفون باشد که آن زمین مالک دارد، باید تعریف شود پس اگر مالک آن را شناخت و ادعای مالکیت کرد به خود وی داده می‌شود وگرنه مال خود یا بنده خواهد بود در صورتی که اثر اسلامی نداشته باشد، که اگر داشته باشد، لقطه خواهد بود.

* المعادن الظاهرة لا تملك بالإحياء لأن إحياء المعدن إظهاره بالعمل و هو غير متصور في المعادن الظاهرة لظهورها، بل التحجير أيضاً؛ لأنه الشروع بالإحياء. و إدارة نحو الحائط إحياء للأرض على وجه لا مطلقاً بل الناس فيه شرع.

۴. أ. با توجه به عبارت، چرا تملك «معادن ظاهرة» با احياء امکان ندارد؟ ب. منظور از عبارت «على وجه لا مطلقاً» و «الناس فيه شرع» چیست؟
أ. منظور از احياء ظاهر کردن است و این در این نوع معادن امکان ندارد چرا که خود به خود ظهور دارد ب. دیوار کشیدن دور زمینی به نحوی احياء آن زمین حساب می‌شود نه به صورت مطلق که شامل معادن نیز شود. الناس فيه شرع: یعنی تمام مردم در معادن مساوی هستند امام و غیر امام.

* ظاهر الأصحاب تحريم ذبيحة من ترك التسمية إذا كان غير معتقد بوجوبها و استشكل المصنف ذلك، لحكمهم بحل ذبيحة المخالف على الإطلاق مالم يكن ناصباً و لا ريب أن بعضهم لا يعتقد وجوبها؛ و يمكن دفعه بأن حكمهم بحل ذبيحته من حيث هو مخالف، و ذلك لا ينافي تحريمها من حيث الإخلال بشرط آخر.

۵. اشكال مصنف و جواب شارح را تبیین نمائید.

اشكال: فقهاء، ذبيحة مخالف را حلال می‌دانند در حالی که قطعاً برخی از آنها اعتقاد به وجوب تسمیه ندارند؛ پس چگونه به حرمت ذبيحة تارك تسمیه قائل شده‌اند؟ جواب شارح: حکم به حلیت از حیث مخالف بودن منافات با حرمت از حیث اخلال بشرط دیگر ندارد. یعنی از جهت این که ذابح مخالف است، منجر به حرمت ذبيحة نمی‌شود، اما می‌توان تصور کرد که به خاطر علت دیگری ذبيحة حرام شود.

* لو اشتبه السمك الميِّت بالحيّ في الشبكة حرم الجميع؛ لوجوب اجتناب الميِّت المحصور الموقوف على اجتناب الجميع، و لعموم قوله مبيهم: «ما مات في الماء فلا تأكله، فإنه مات فيما فيه حياته».

۶. علت حرمت در فرع مذکور را تبیین نمائید.

۱. وجوب اجتناب از تعداد میّت محصور موقوف است بر اجتناب از همه، چون تا همه مورد اجتناب قرار نگیرد علم به اجتناب از میّت حاصل نمی‌شود ۲. عمومیت روایت مذکور که شامل ما نحن فيه می‌شود.

۷. حیوان جلال را تعریف نموده حکم آن را در قالب مثال بیان نمائید.

أ. جلال حیوانی است که به خوردن مدفوع انسان عادت کرده باشد به حدی که از این راه گوشتش بروید و استخوانش محکم شود و حیوان در چنین حالی حرام است تا استبراء شود یعنی از خوردن عذره دور نگه داشته شود مثلاً در شتر ۴۰ روز و در گاو ۲۰ روز باید دور نگه داشته شود.

* ما أبین من حیّ یحرم أكله و استعماله لأنها بحکم المیتة و لایجوز الاستصباح بها تحت السماء لتحريم الانتفاع بالمیتة مطلقاً.

۸. دو فرع مذکور را تبیین نموده دلیل هر یک را ذکر نمائید.

۱. آنچه از حیوان زنده جدا شود خوردن و استعمال آن حرام است چرا که آن قطعه در حکم میت است ۲. سوزاندن قسمت جدا شده از حیوان زنده جائز نیست زیرا هر نوع انتفاع از میت حرام است و سوزاندن هم نوعی انتفاء است.

* لا یجوز الأكل من مال الغير ممن یحترم ماله بغير اذنه لقیح التصرف فی مال الغير كذلك و لأنه أكل مال بالباطل و لقوله عن الصادق: «المسلم علی المسلم حرام دمه و ماله و عرضه»

۹. أبا توجه به عبارت، دلایل حرمت اكل مال غیر چیست؟ ب. «کذلک» در عبارت، به چه مطلبی اشاره دارد؟

۱. أ. قبیح تصرف غیر مأذون در مال غیر ۲. چون اكل مال وی اكل بالباطل خواهد بود ۳. روایت پیامبر ص اشاره به این است که قبیح تصرف در مال غیر محدود به فرض عدم اذن است و گزینه قبیحی ندارد.